

معنویت‌گرایی اسلامی، گستره تمدنی و امتداد اجتماعی آن

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۰۳

تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۱۰/۰۱

محمد اسماعیل عبداللہی*

چکیده

نرم‌افزار جامعه‌سازی اسلامی، گسترش سطح معنویت فردی به ساحت اجتماعی و سطح معنویت اجتماعی است. معنویت اسلامی، معنویت بر خاسته از عرفانی است که بر پایه نظام عبادی و شریعت باشد و در چارچوب نظام اخلاقی و تربیتی اسلام شکل گرفته باشد. چنین معنویت با شاخصه‌های شریعت پایه، اخلاق مدار و تربیت محور می‌تواند امتداد اجتماعی پیدا کند؛ به گونه‌ای که در هر مواجهه‌ای، روح حاکم بر آن پدیده و باطن آن را لحاظ کند و ارتباط آن با اجزای دیگر عالم و با کل (وجود مطلق) را بسنجد و هر یک از پدیده‌های هستی، منبع معرفت معنابخش زندگی به شمار آید. این تحقیق در واقع پاسخ به این مسئله است که چرا باید معنویت اسلامی از ساحت فردی به ساحت اجتماعی امتداد یابد؟ بررسی پاسخ این مسئله در گرو پاسخ به این پرسش‌هاست: شاخصه‌های معنویت‌گرایی اسلامی چیست؟ رابطه دین و معنویت چگونه است؟ نقش معنویت در هویت‌سازی اجتماعی چیست؟ راهبردهای تحقق بخش امتداد اجتماعی معنویت اسلامی چیستند؟ تحقیق صورت گرفته در چارچوب این پرسش‌ها و بر اساس روش تحقیق کتابخانه‌ای بر محور فعالیت منظم مبتنی بر دانش موجود حاصل از تحقیقات یا تجارب، صورت می‌گیرد و به منظور تولید مواد، فرآورده‌ها، ابزار و فرایندها و روش‌های جدید یا بهبود آنها به کار می‌رود. تغییر نگرش جامعه‌نخبگانی از معنویت‌گرایی فردی به معنویت‌گرایی اجتماعی بر پایه جهان‌بینی و ایدئولوژی اسلامی و محوریت یافتن امتداد اجتماعی معنویت‌گرایی اسلامی برای تحقق جامعه‌سازی اسلامی از مهم‌ترین اهداف این تحقیق به شمار می‌رود. انعکاس بیرونی و تصویرسازی از ضرورت پردازش امتداد عملی معنویت‌گرایی و تعیین گستره تمدنی معنویت و استخراج راهبردهای تحقق بخش امتداد اجتماعی معنویت اسلامی از نتایج به‌دست آمده این تحقیق است.

واژگان کلیدی: معنویت، معنویت‌گرایی، امتداد اجتماعی، ساحت اجتماعی، معنویت

اسلامی، معنویت دینی.

۱۷۷

پیش

سال بیست و هشتم / شماره ۱۰۶ / زمستان ۱۴۰۱

مقدمه

شکل‌گیری تمدن اسلامی با ظهور اسلام آغاز شد و در سده‌های آغازین اسلام نیز همواره رو به رشد و شکوفایی بود؛ اما برخی عوامل بیرونی و درونی، موجب کندی حرکت تمدن اسلامی گردید. قرن اخیر به‌ویژه بروز انقلاب اسلامی ایران را می‌توان نقطه خیزش جدیدی برای تمدن اسلامی به شمار آورد. مکتب اسلام همواره به دنبال تشکیل حکومت اسلامی بوده است تا به طور کامل زمینه‌ساز اجرای احکام الهی باشد.

پیروزی انقلاب اسلامی، نقطه عطفی برای ایجاد تمدن نوین اسلامی بود و با دگرگون‌شدن معادلات حاکم بر زندگی جمعی، فضای مناسبی برای تمدن‌سازی اسلامی فراهم شد. انقلاب اسلامی فرصت بی‌بدیلی را در اختیار متولیان معارف دینی قرار داد تا الگوی اجرایی تمدن اسلامی را طراحی کنند؛ از این رو رهبران انقلاب اسلامی همواره هدف ملت ایران و انقلاب اسلامی را ایجاد یک تمدن نوین اسلامی بیان کرده‌اند.

طراحی و تحقق این تمدن، مبتنی بر جامعه‌سازی شایسته است. رکن اساسی و نرم‌افزار جامعه‌سازی اسلامی، ارتقا و گسترش سطح معنویت اجتماعی و پرهیز از نگرش‌های سطحی، نامنظم و غیر هدفمند است. مسئله اصلی این تحقیق آن است که چرا باید معنویت اسلامی از ساحت فردی به ساحت اجتماعی امتداد یابد؟ پاسخ این مسئله نیازمند بررسی دقیق و پاسخ به این پرسش‌هاست: معنویت‌گرایی اسلامی چیست و چه شاخصه‌هایی دارد؟ نگرش دین اسلام در خصوص ساخت جامعه و هویت‌سازی جمعی چیست؟ اسلام برای هویت‌سازی اجتماعی چه نقشی برای معنویت قابل است؟ رابطه معنویت و دیانت چگونه است؟ امتداد اجتماعی چیست و چگونه محقق می‌شود؟ گستره معنویت و حد و مرز آن چگونه قابل تعریف است؟ راهبردهای تحقق امتداد اجتماعی معنویت‌گرایی اسلامی چیست؟ فرضیه اصلی تحقیق عبارت است از اینکه «معنویت‌گرایی اسلامی» از یک سو عهده‌دار عبور از ظواهر و دیدن باطن عالم و تأمین نگاه معنوی و باطنی به بشر و دنیای اطراف اوست و از دیگر سو تأمین‌کننده نگاه الهیاتی به مباحثی نظیر معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی است.

این تحقیق از جنس تحقیقاتی است که فرضیه‌ها از بسته‌های اطلاعات تحقیق استخراج

می‌شوند (مشابه این مطلب در تحقیقات علوم انسانی به تحقیقات با روش «گرند تئوری» تعبیر می‌شوند)؛ از این رو فرضیه فرعی تحقیق عبارت از معنویت‌گرایی عمومی مبتنی بر وحی، بر پایه نظریه هستی شبکه‌ای است. بر این اساس هر فرد معنوی در ساخت جامعه معنوی و جامعه معنوی در ساخت فرد معنوی اثرگذار است. معنویت روح در جسم و معنویت آن دو در محیط و محیط در آن دو اثر گذارند و آنها در عبادت خدا، کیفیت بندگی آنها در برابر خدا و... از این رو هر کس محبوب خدا شود، محبوب خلق خدا هم می‌شود.

این پژوهش از نوع پژوهش‌های توسعه‌ای است؛ پژوهش‌هایی که بر محور فعالیت منظم مبتنی بر دانش موجود حاصل از تحقیقات یا تجارب صورت می‌گیرد و به منظور تولید مواد، فرآورده‌ها، ابزار و فرایندها و روش‌های جدید و یا بهبود آنها به کار می‌رود. بر همین اساس این تحقیق بر پایه نظریه هستی شبکه‌ای و نگرش سیستمی به دین شکل می‌گیرد. تبیین ضرورت امتداد اجتماعی یافتن معنویت اسلامی و تولید راهبردهای تحقق امتداد اجتماعی معنویت بر اساس تدوین ساختار و فرایندهای ارتباطی جدید با اتکا بر متغیرهای وابسته و غیر وابسته دانش‌های تحقیق بخش معنویت، مطلوبی است که این تحقیق دنبال می‌کند.

در موضوع معنویت، معنویت‌گرایی و نقد معنویت‌گرایی آثار و تحقیقاتی به طور محدود نگارش شده است. از جمله این پژوهش‌ها می‌توان به مقاله «نقد و بررسی معنویت‌گرایی» نوشته محمد عرب صالحی و محمد کاشی زاده و نیز مقاله «معنویت‌گرایی در قرآن» نگارش محمد جواد رودگر اشاره کرد. اما هیچ یک به مسئله تداوم عملی معنویت و ضرورت امتداد اجتماعی آن اشاره‌ای نداشته‌اند و البته در مقام این بحث نیز نبوده‌اند. با استقرای صورت گرفته، بررسی معنویت‌گرایی اسلامی از زاویه مطالعه جامعه‌شناختی و رصد عناصر اجتماعی مورد تحقیق پژوهشگران قرار نگرفته است.

۱. تحلیل مفهومی «معنویت»، «معنویت‌گرایی اسلامی» و «امتداد اجتماعی»

«معنویت» مصدر جَعَلی و از واژه «معنوی» ساخته شده است. معنوی نیز با افزودن یای نسبت به آن، از واژه «معنی» که خود مصدر میمی بوده و مفاد آن مقصود و مراد است، مشتق گردیده

است؛ بنابراین «معنوی» یعنی منسوب به معنا و در مقابل لفظی است. این کلمه در معانی دیگری از جمله «حقیقی، راست، اصلی، ذاتی، مطلق، باطنی، روحانی و معنایی که فقط به وسیله قلب شناخته می‌گردد و زبان را در آن بهره‌ای نیست» نیز به کار می‌رود (دهخدا، ۱۳۷۷، واژه «معنوی»). مترادف با واژه «معنویت» در زبان انگلیسی واژه «Spirituality» استعمال می‌شود. این واژه خود از اسم «Spiritus» کلمه‌ای لاتین به معنای «نفس و دم» اخذ شده است. «Spiritus» نیز از «Spirare» به معنای دمیدن یا نفس کشیدن گرفته شده است. در ترجمه‌های لاتین انجیل عهد جدید «Spiritalis» یا شخص معنوی به کسی گفته می‌شود که زندگی او را روح القدس یا روح خدا نظم می‌بخشد یا بر آن تأثیر می‌گذارد. واژه انتزاعی «Spiritualitas» که همان «Spirituality» یا معنویت می‌باشد، حداقل در اوایل قرن پنجم، به همین معنای مأخوذ از انجیل به کار رفته است. واژه معنویت در مسیحیت برای نظریه و تحقق زندگی در روح القدس یا تحقق مرید و شاگردی است (Sheldrake, 2007, p.1). این واژه هرچند در متون عرفان اسلامی به کار نرفته و در مطالعات عرفان پژوهی از دیرینه کهنی برخوردار نیست، امروزه بیشتر در بردارنده مفهومی متفاوتی در برابر حسی بیرونی است که اشاره به حقیقتی از وجودی ذهنی و درونی در برابر حقیقت بیرونی آن دارد. این تفسیر از معنویت مبتنی بر اصل چندلایه‌ای بودن حقیقت است که دارای دو جنبه بیرونی (ساحت ظاهری) و درونی (ساحت باطنی) است و جنبه درونی دارای مراتب متعددی است که نهایت آن رسیدن به حقیقتی است که محیط بر همه حقایق است (خمینی، ۱۳۹۴، ص ۵/ همو، ۱۳۷۳، ص ۹۱). اگر «معنویت» توجه به معنا و باطن پدیده‌هاست، می‌تواند حقیقتی مستقل از باور و اعتقاد انسان نسبت به جهان هستی داشته باشد. نوع جهان‌بینی و ایدئولوژی هر انسان در نوع، ارزش و اعتبار معنویت او اثرگذار است. ارزش و اعتبار معنویت بستگی به ارزش و اعتبار جهان‌بینی و ایدئولوژی دارد؛ از همین رو معنویتی که برخاسته از باور و اعتقاد به اسلام باشد، از سایر ادیان الهی و غیر الهی برتر خواهد بود؛ چراکه اسلام تنها دین کامل و آخرین دین از ادیان الهی به شمار می‌رود که پاسخ‌گوی همه نیازهای بشری تا روز قیامت خواهد بود. بنابراین معنویت در سنت اسلامی را می‌توان بیان‌کننده گوهر و باطن دین اسلام دانست که با روح و ساحت باطنی انسان سروکار دارد.

با تبیینی که از معنویت صورت گرفت، حدود و ابعاد معنویت‌گرایی اسلامی تا حدی روشن

شد. «معنویت‌گرایی اسلامی» گرایش انسان به دسترسی و توجه به باطن پدیده‌های هستی است؛ به گونه‌ای که این گرایش، برخاسته از جهان‌بینی و ایدئولوژی اسلامی است. نوع و کیفیت شناخت انسان از اسلام، در کیفیت شناخت باطن پدیده‌های هستی اثرگذار است. در این وضعیت، انسان هر پدیده‌ای را دارای زبان باطن می‌داند که حکایت‌گر وجود حق تعالی است. چنین نگاهی به پدیده‌های عالم، نیازمند الزامات تربیتی و اقتضائات ارتباطی است که می‌بایست در دانش علوم تربیتی و دانش اخلاق مورد مذاقه قرار گیرد.

امتداد اجتماعی، اعمال نگرش حاصل از جهان‌بینی و ایدئولوژی خاص، در عناصر جمعی و اجتماعی است. در خصوص معنویت‌گرایی، باید گفت: امتداد اجتماعی به دنبال اعمال نگرش حاصل از پدیدارشناسی ساحت باطنی عناصر هستی است؛ به گونه‌ای که در هر مواجهه‌ای روح حاکم بر آن پدیده و باطن آن را لحاظ می‌کند و ارتباط آن با اجزای دیگر عالم و با کل (وجود مطلق) سنجیده می‌شود و از آن پدیده، معرفت کسب می‌کند. این معرفت اکتسابی به گونه‌ای است که معنابخش زندگی فردی می‌شود.

۲. هویت جامعه‌سازی دین و ارتقای معنویت‌گرایی

معرفت دینی حاصل از دینداری، انسان را به عبودیت^۱ خدا و نفی عبودیت دیگران می‌رساند و عبودیت خداوند، جامعه دینی را شکل می‌دهد. عبودیت خداوند بر انگیزه‌ها، هدف‌ها، ارزش‌ها و نوع روابط تأثیر می‌گذارد. عبودیت همراه با معرفت و ایمان می‌تواند محرک‌ها را کنترل و بر حرکت‌ها نظارت کند؛ عادت‌ها را کنترل و عادت‌های جدید را پایه‌ریزی کند. عبودیت، گذشته از انگیزه‌های درونی، آرمان‌ها، اهداف و انگیزه‌های جدید را می‌سازد؛ عبودیت بر روابط انسان با خود، اشیا و افراد تأثیر می‌گذارد و آنها را جهت می‌دهد و این روابط به جمع دینی و جامعه مذهبی و الهی منتهی می‌شود و ناچار این جمع با معنویت (معرفت، تربیت و اخلاق)، مدیریت، برنامه‌ریزی و تشکل جدیدی همراه است؛ چراکه حیات انسان

۱. اگر عبادت به معنای اعمال و آداب خاص در نظر گرفته شود، با عبودیت متفاوت است؛ چراکه هر عبادتی، عبودیت نیست. در عبودیت، نیت، سنت و اهمیت (فعل عبادی مهم‌ترین کار در لحظه باشد) شرط است.

منحصر در این دنیا و تنها ارزش این جهانی ندارد و اداره جمعی این جمع با لحاظ جایگاه و موقعیت انسان در هستی، هدف غایی از وجود انسان و ارتباط او با غیب و دنیای آخرت، امکان پذیر خواهد بود. اداره جمعی این جمع بر اساس «روابط عدل و احسان»^{*} خواهد بود. «جامعه دینی در بستر هر نوع اجتماعی، از جامعه بدوی گرفته تا عشائری، روستایی، صنعتی و فراصنعتی، در تمامی این بسترها شکل می‌گیرد. جامعه بدوی و ولایی در برابر جامعه مدنی نیست؛ همان طور که در برابر جامعه بدوی و عشائری و روستایی نیست. مدینه‌النبی و جامعه دینی هر کدام از انبیا، در این بسترها و در دل جوامع مختلف بالیده و سر برداشته و در ساخت و بافت و روابط و در عوامل رشد و عوامل آسیب با این جوامع مشابهتی ندارد» (واسطی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۲). ساخت و بافت جامعه دینی با دعوت، هدایت، تربیت و اقبال و ادبار گره می‌خورد؛ در حالی که در جامعه مدنی با هجرت، صنعت، اصناف و احزاب به تقسیم منافع و تقسیم قدرت می‌رسند (فروند، ۱۳۶۲، ص ۱۱۱/ دورکیم، ۱۳۵۹، ص ۱۲۵-۱۵۹). برای احیای امر معصوم و تحقق حکومت دینی، چاره‌ای جز همین جامعه دینی نیست. این چنین جمعی در تحقق و تداوم خود، مشکلات، آفت‌ها، گرفتاری‌ها و زمینه‌های متفاوتی را می‌طلبد. «این جمع دینی بر اساس معرفت، محبت، خدمت، اخوت، اصلاح و احسان شکل می‌گیرد و همین اساس سنگینی و سختی است و همین جمع به خاطر ارزش‌ها و رفقش با هجوم شیطان و هواهای نفس درگیر است و نزع و نزاع را به دنبال دارد» (واسطی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۵).

سیر این حرکت از جامعه دینی ادامه دارد و به حکومت دینی و درنهایت تمدن اسلامی خواهد رسید؛ حکومتی بر اساس حاکمیت قانون خدا و نفی قانون جاهلیت، حکومتی بر اساس شکل‌گیری امت واحده. مهم‌ترین شاهد بر رویکرد جامعه‌سازی دین، اقدام رسول خدا ﷺ و امیرالمومنین علیه السلام به اداره جامعه و اقدام به مدیریت زندگی جمعی (تشکیل حکومت) بر اساس محتوای دین است. اخذ بیعت، فتح مکه و جنگ‌های متعدد، نصب کارگزاران و استانداران، ارسال سفیر به دیگر کشورها و نصب جانشین حکومتی در غدیر از جمله قرائن تشکیل حکومت است (عاملی، ۱۳۷۷، ج ۱۸، ص ۱۴۳).

* اشاره به آیه شریفه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» (نحل: ۹۰) و «قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» (بقره: ۸۳).

۳. رابطه معنویت و دیانت؛ نقدی بر معنویت‌گرایی غربی

بر اساس مبانی سکولاریستی و اومانستی، بشر غربی همیشه به دنبال راه حلی برای پاسخ‌گویی به نیازهای معنوی انسان جدید است؛ همان چیزی که امروزه از معنویت‌گرایی (ماوراگرایی) مدرن و ادیان جایگزین سر برآورده است. این معنویت‌گرایی غربی عموماً از نوع معنویت‌های سکولار و متناسب با جهان‌بینی و ایدئولوژی لیبرالیستی است. بر این مبنا بین معنویت و دیانت تلازمی نیست (Sheldrake, 2007, p.1). نیاز بشر جدید به این نوع معنویت ناشی از مشکلات روحی، رنج‌ها و اضطراب‌های روانی شدید است و علم و عقل جدید نیز نمی‌تواند این مشکلات را برطرف نماید؛ لذا در جست‌وجوی چیزی است که برای او شادی، نشاط، آرامش و امید به زندگی را پدید بیاورد. چنین معنویتی نه مستلزم باور به خداست و نه مستلزم تن دادن به پیام‌آوران است و نه محتاج وجود دنیایی دیگر ورای این دنیای مادی (ملکیان، ۱۳۹۶، ص ۳۷۶).

با موج جریان معنویت‌گرایی در جهان، این واژه در دنیای غرب امروزه بیشتر به هر چیزی گفته می‌شود که انسان را از بدن و عالم ماده غافل می‌کند، مانند رقص، سکس، خنده و مواد مخدر. به تعبیر مناسب‌تر معنویت را در ماورا خلاصه می‌کند؛ به گونه‌ای که برای آن، غایت و روش خاصی متصور نیست؛ بلکه هر روش خیالی و مدیتیشن خودساخته‌ای که فقط با روان انسان‌ها بازی کند، می‌تواند جزء اصول آن باشد (ر.ک: عبداللهی، ۱۳۹۹، ص ۲۲).

۴. امتداد اجتماعی معنویت‌گرایی

مناسبات دین و علوم اجتماعی در غرب، از دوره رنسانس و در کشور ما به زمان نخستین رویارویی‌های جامعه سنتی ایران با فرهنگ و جامعه در حال شکوفایی و تهاجم غربی، شروع شد؛ به‌ویژه از دوره مشروطیت به بعد و نیز در مقاطعی که اندیشه‌های مارکسیستی و فعالیت‌های مربوط به گروه‌ها و احزاب چپ‌گرا در جامعه فزونی می‌یافت.*

* مناسبات دین و علوم اجتماعی در ذیل ساختارهای کلان‌تری چون مناسبات علم و دین یا دینی شدن معرفت به طور عام و علم به طور خاص جای می‌گیرد. در زمینه مناسبات‌های اجتماعی کتاب‌هایی نوشته شده است که جهت کسب اطلاعات می‌توانید به آنها مراجعه نمایید: الف) روابط اجتماعی در اسلام اثر علامه محمدحسین

در تفکر اجتماعی منهای دین، صرفاً ارتباط انسان‌ها با یکدیگر در چارچوب قراردادهای بی‌پشتوانه و تنها با نگاه مادی و ابزارهای کنترل مادی است و از این رو هیچ شاخص پایداری برای تشخیص ساختارهای کلان ارتباطی، چگونگی روابط، ارزش‌گذاری و اعتبارسنجی ارتباطات وجود ندارد (دوورژه، ۱۳۷۵، ص ۳۰ / شریعتی، ۱۳۹۸، ص ۳۰۱). این در حالی است که در تفکر اجتماعی اسلام، این شاخص‌ها از ناحیه وجودی برتر و آشنا با مقررات هستی وجود دارد و در اندیشه عرفان اجتماعی، انسان ذاتاً اجتماعی آفریده شده و برای رسیدن به تکامل و مطلوب خویش از گذر اجتماع عبور می‌کند. بدیهی است این گذار اجتماعی مبتنی است بر اجتماعی اندیشیدن و اجتماعی اندیشیدن موجب حضور در صحنه اجتماع، تحمّل دیگران و همدلی عمومی است.

در نگرش اسلام به اجتماع، اندیشه اجتماعی زمینه‌ساز نقش‌های اجتماعی است و نقش‌های اجتماعی زمینه‌ساز پویایی و رشد شبکه هستی برای خدمات‌رسانی به انسان‌اند تا بتوانند در رساندن به کمال مطلوب او، نقش تسهیل‌گر داشته باشند؛ از این رو در جامعه معنوی، نقش رفتگر همان قدر ارزشمند است که نقش یک فرماندار یا رئیس حاکم ارزش دارد.

امتداد اجتماعی معنویت‌گرایی اسلامی از آن حیث اهمیت دارد که گرایش به معنویت، اتصال به ماورا و آرامش‌خواهی در نهان انسان نهاده شده و به لحاظ دورشدن بشر از خواسته فطری‌شان امروزه از گمشده‌های بشر مدرن به شمار می‌آید؛ از این رو چون دین دغدغه عینیت‌بخشیدن در همه ابعاد را دارد و معنویت‌گرایی را موجب ایجاد تصویر درست از هدف غایی مشترک بین انسان‌ها، برای همدلی عمومی می‌داند، گسترش این نگاه در سطح جامعه می‌تواند حس حضور خدا در صحنه زندگی جمعی را تقویت و احساس بندگی و عبودیت را در جامعه هویدا کند؛ از طرف دیگر چون انسان کامل، انسان درون‌گرای صرف نیست، بلکه انسان برون‌گرا و جامعه‌گرا هم هست، معنویت اسلامی در توجه به برون و تعاملات اجتماعی نیازمند پیشرفت بیشتر است.

طباطبایی؛ ب) جامعه و تاریخ اثر مرتضی مطهری؛ ج) جامعه‌شناسی یا علم الاجتماع اثر یحیی مهدوی؛ د) جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن اثر محمدتقی مصباح‌یزدی؛ ه) بحثی درباره جامعه‌شناسی اسلامی اثر محی‌الدین حائری شیرازی.

۵. گستره معنویت و امتداد اجتماعی آن

در اینجا آنچه ما از «معنویت» اراده می‌کنیم، همان چیزی است که در مقابل لفظ قرار می‌گیرد، معنی، باطن یا روح هر پدیده‌ای؛ با این تفاوت که آن باطن از تقدس و روحانیتی خاص برخوردار است؛ قداست و روحانیتی که بر پایه جهان بینی و ایدئولوژی اسلامی و فرهنگ و حیانی باشد. به عبارت دیگر پدیده معنوی به هر چیزی گفته می‌شود که انسان را از ماسوی الله غافل کند و به حقیقت هستی متوجه نماید. این معنادهی باعث برون رفت از تحیر، پوچی و سرگردانی می‌شود. عبودیت و بندگی خداوند متعال در پرتو پای بندی عملی به شریعت و رعایت اخلاق، هنجارها و ارزش‌های دینی از مهم‌ترین الزامات رسیدن به چنین معنویتی است؛ از همین رو این «معنویت» شامل نظام عبادی، نظام عرفانی، نظام اخلاقی و نظام تربیتی اسلام نیز می‌شود. معنویت مورد تأیید اسلام، معنویت برخاسته از عرفانی است که بر پایه نظام عبادی و شریعت باشد و در چارچوب نظام اخلاقی و تربیتی اسلامی شکل گرفته باشد که اگر چنین نباشد، یا چیزی شبیه معنویت‌گرایی مدرن جهان غرب است که معنویت منهای دین بلکه منهای خدا را نتیجه می‌دهد یا اگر بر پایه شریعت غیر تحریف‌شده نیز باشد اما در چارچوب اخلاق نباشد، از اعتدال خارج و به افراط و تفریط دچار خواهد شد؛ هرچند از نگاه برخی اندیشمندان معنویت منهای خدا یا معنویت منهای اخلاق، معنویت نیست.

معنویت‌گرایی اسلامی، علاوه بر تأکید بر پاسداشت شب به عنوان زمان و زمینه‌ای مناسب برای تمرکز بر فکر و اتصال با معبود و تأکید بر خلوت باطنی و همراهی احساس حضور خدا در همه زمان‌ها و مکان‌ها و همچنین چله‌نشینی‌های مآثور و اعتکاف و...، بر خدمت به خلق، هدایتگری، دستگیری از دیگران و ایثار و از خودگذشتگی در همه صحنه‌های زندگی اجتماعی تأکید می‌ورزد و هر یک از این امور را وسیله‌ای برای تقرب الی الله می‌داند و وصول به حق و فنای در ذات حق را تنها از مسیر گذر از اجتماع می‌داند.

معنویت‌گرایی اسلامی بر پایه تکامل است (مطهری، ۱۳۸۵، ج ۲۴، ص ۲۵۸) و سبب می‌شود انسان یک رشته واقعیت‌های حقیقی بیرون از واقعیت طبیعت و جهان ماده را نیز در نظر بگیرد؛ به گونه‌ای که حقیقت همه پدیده‌های عالم را وابسته به یک امر نامحدود و جاودانه بداند (طباطبایی، ۱۳۸۵، ص ۶۳).

۶. راهبردهای امتداد اجتماعی معنویت

برای اثبات برتری اندیشه اسلامی عموماً و برتری معنویت‌گرایی اسلامی در ساحت اجتماعی خصوصاً نیازمند طراحی سیستم‌های رقابت‌پذیر در این عرصه خواهیم بود؛ چراکه نظام‌سازی معرفتی در ابعاد مختلف، از راهبردهای الهیات غرب، برای زمینه‌سازی «توان مطالعه و مقایسه در زمینه رقابتی» و در پرتو آن روی‌آوری بشر به تمدن غربی است. ما نیز برای تأمین این هدف (توان مطالعه و مقایسه در زمینه رقابتی) که باعث روی‌آوردن بشر به گزاره‌های دین اسلام می‌شود، ضروری است آموزه‌های اسلامی را به ویژه در ساحت معنویت به صورت سیستم‌ها و مدل‌های بهم‌پیوسته ارائه کنیم.

اهمیت ساحت معنویت اسلامی نسبت به سایر ساحت‌ها از دو جهت قابل بررسی است: نخست از جهت کارآمدی و آن این است که ناکارآمدی معنویت اسلامی در محیط رقابت نظریات و ایده‌های سایر علوم اسلامی برای مدیریت جمعی - و نه فردی - به یک نظریه توسعه‌یافته مبدل شده است؛ دوم از جهت اثربخشی و آن این است که انسان به عنوان خلیفه خدا در حیات دنیایی معرفی شده است: «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً؛ من در زمین، جانشینی [نماینده‌ای] قرار خواهم داد» (بقره: ۳۰). از این رو هرچه خلیفه خدا در این حیات دنیایی، رنگ و بوی خدایی بیشتری به خود بگیرد، به جایگاه اصلی خود نزدیک‌تر شده است. اگر هدف از آفرینش، عبودیت است، «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ: من جنّ و انس را نیافریدم جز برای اینکه مرا عبادت کنند» (ذاریات: ۵۶) و اگر غایت نهایی بشر، معرفت برخاسته از عبودیت نسبت به خداوند است، غایت عرفان نیز ادراک توحید حضرت حق است: «سَتُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَّبِعِنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ: به‌زودی نشانه‌های خود را در اطراف جهان و در درون جانشان به آنها نشان می‌دهیم تا برای آنان آشکار گردد که او حق است» (فصلت: ۵۳). از این رو رسیدن به لقاء الله و رؤیت خداوند با حقیقت ایمان و چشم دل، وظیفه یکایک افراد بشر است؛ البته بشری که در مقام عبادت معبود خود قیام می‌نماید. معنویت اسلامی این رسالت را بر عهده دارد تا علاوه بر دستگیری فردی از بشر، به دستگیری جمعی از جامعه نیز بپردازد تا اینکه اجتماع بشری و حضور فرد در جامعه به گونه‌ای باشد که در همه کنش‌ها و واکنش‌های خود هیچ‌جایی میان خود و پروردگار خود نبیند و

این را در این دنیا و آخرت معتقد باشد: «وَقُوفُ الْعَبْدِ مُوقَّفًا لَا حِجَابَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ رَبِّهِ» (طباطبایی، ۱۳۸۶، ج ۱۶، ص ۱۰۱).

سه کلان سیستم در دین اسلام قابل استخراج است که هر یک از آنها دارای نظامات داخلی اختصاصی است. کلان سیستم معنویت در اسلام شامل نظام عبادی، نظام عرفانی، نظام اخلاقی و نظام تربیتی است. کلان سیستم معنویت اسلامی، دغدغه سلوک اجتماعی، رساندن جامعه به مقام توحیدی و... را دارد. ضرورت امتداد اجتماعی معنویت اسلامی از این جهت است که وجود معنویت‌های خودساخته، عرفان‌واره‌های وارداتی و ادیان بشری توانسته است نگرش بخش عمده‌ای از معنویت‌گرایان را به خود جذب نماید و از این طریق آنها را از دین‌مداری و خداگرایی منحرف نماید یا عرصه‌ای باشد برای شهوت پرستی، جاه پرستی و... و یا ابزاری برای اجرای سیاست‌های استکباری و استعماری و سرپوشی بر جنایت‌های حاکمان جور. وجه اهمیت سیستم سازی در آن است که چون دین بیانگر معادلات کلان هستی و توصیف کننده معادلات زندگی انسان در هستی برای رسیدن به هدف است، برای جهانی شدن اندیشه اسلامی نیازمند کشف حکم خداوند برای همه فعل و انفعالات بشر در ابعاد فردی و اجتماعی و اثبات برتری این احکام بر سایر برنامه‌های پیشنهادی ادیان و مکاتب دیگر هستیم. اثبات برتری گزاره‌های دین اسلام بر سایرین زمانی محقق خواهد شد که بتوان مدل‌ها و سیستم‌های قابل رقابت و قابل مقایسه تولید کرد.

از دیگر راهبردهای ضروری برای امتداد اجتماعی معنویت‌گرایی اسلامی، تولید تئوری‌های پایه به منظور اجتهاد در گزاره‌های استنتاجی دین در ارتباط با معنویت است. با اجتهاد در این گزاره‌ها، اجزا و عناصر فعال در معنویت اسلامی، مناسبات بین اجزا، ارتباط هر یک با کل، کارکرد هر یک و ساختار تعاملی آنها مورد بررسی و نهایتاً استخراج می‌شود. البته در میان گزاره‌های معنوی دین، گزاره‌های مؤثر هم هستند که در خصوص مسائل اجتماعی صراحت دارند. این نوع گزاره‌ها بیشتر نیازمند تبیین و توصیف عمیق‌اند.*

* به روشی که برای استنباط نظر دین در گزاره‌های معنوی که موضوع آن به صراحت در متون دینی آمده و در چارچوب مدل‌های مطابقی، تضمینی و التزامی بمعنی الاخص صورت می‌گیرد، به کار می‌رود، اجتهاد مؤثر گفته می‌شود و به روشی که برای استنباط نظر دین در گزاره‌های معنوی که موضوع آن در متون دینی به صراحت ذکر نشده، بلکه خارج از محدوده دلالت‌های لفظی است، اجتهاد استنتاجی گفته می‌شود.

نتیجه گیری

بر اساس تحقیق انجام شده و بررسی های صورت گرفته نتایج زیر به دست آمد:

۱. معنویت در بردارنده مفهوم متافیزیکی در برابر حسی بیرونی است که اشاره به حقیقتی درونی در برابر حقیقت بیرونی دارد. معنویت، توجه به معنا و باطن پدیده هاست و حقیقتی مستقل از باور انسان به جهان هستی ندارد. نوع جهان بینی و ایدئولوژی هر انسان در نوع، ارزش و اعتبار معنویت او اثرگذار است. ارزش و اعتبار معنویت بستگی به ارزش و اعتبار جهان بینی و ایدئولوژی دارد؛ از همین رو معنویتی که برخاسته از باور و اعتقاد به اسلام باشد، از سایر ادیان الهی و غیر الهی برتر خواهد بود؛ چراکه اسلام تنها دین کامل و آخرین دین از ادیان الهی به شمار می رود که پاسخ گوی همه نیازهای بشری تا روز قیامت خواهد بود. بنابراین معنویت در سنت اسلامی را می توان بیان کننده گوهر و باطن دین اسلام دانست که با روح و ساحت باطنی انسان سروکار دارد.

۲. پدیده معنوی به هر چیزی گفته می شود که انسان را از ماسوی الله غافل کند و به حقیقت هستی متوجه نماید. این معنادهی باعث برون رفت از تحیر، پوچی و سرگردانی می شود. عبودیت و بندگی خداوند متعال در پرتو پای بندی عملی به شریعت و رعایت اخلاق، هنجارها و ارزش های دینی از مهم ترین الزامات رسیدن به چنین معنویتی است؛ از همین رو این «معنویت» شامل نظام عبادی، نظام عرفانی، نظام اخلاقی و نظام تربیتی اسلام نیز می شود. معنویت مورد تأیید اسلام، برخاسته از عرفانی است که بر پایه نظام عبادی و شریعت باشد و در چارچوب نظام اخلاقی و تربیتی اسلامی شکل گرفته باشد که اگر چنین نباشد یا چیزی شبیه معنویت گرایی مدرن جهان غرب است که معنویت منهای دین و بلکه منهای خدا را نتیجه می دهد یا اگر بر پایه شریعت غیر تحریف شده نیز باشد، اما در چارچوب اخلاق نباشد، از اعتدال خارج و به افراط و تفریط دچار خواهد شد.

۳. امتداد اجتماعی در معنویت گرایی اسلامی، اعمال نگرش حاصل از پدیدارشناسی ساحت باطنی عناصر هستی است، به گونه ای که در هر مواجهه ای کسب معرفت معنا بخش نماید.

۴. دین دارای هویت جامعه سازی است و بر عناصر اجتماعی، تعامل آنها، توجه به حقایق نهفته در ظواهر این عناصر و ارتباط با باطن پدیده ها و نقش هر یک در عبودیت اجتماعی تأکید می ورزد.

۵. دین دغدغه عینیت بخشی به همه ابعاد را دارد و معنویت گرایی را موجب ایجاد تصویر درست از هدف غایی برای همدلی عمومی می‌داند. گسترش این نگاه در سطح جامعه می‌تواند حس حضور خدا در صحنه زندگی جمعی را تقویت و احساس عبودیت اجتماعی را در جامعه هویدا کنند که تحقق این نگرش نیازمند راهبردهایی زیر است:

الف) اعمال نگرش سیستم سازی معرفتی و طراحی کلان سیستم معنویت دین اسلام و سیستم‌های رقابت پذیر در این عرصه.

ب) تولید تئوری‌های پایه به منظور اجتهاد در گزاره‌های استنتاجی دین در ارتباط با معنویت.

منابع

- * قرآن کریم؛ ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
۱. خمینی، روح الله؛ آداب الصلوة (آداب نماز)؛ ج ۴، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۳.
 ۲. —؛ شرح چهل حدیث؛ تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۹۴.
 ۳. دورکیم، امیل؛ تقسیم کار اجتماعی؛ ترجمه حسن حبیبی؛ تهران: انتشارات قلم، ۱۳۵۹.
 ۴. دوورژه، موریس؛ روش های علوم اجتماعی؛ ج ۳، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۵.
 ۵. دهخدا، علی اکبر؛ لغت نامه؛ زیر نظر محمد معین و سیدجعفر شهیدی؛ تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
 ۶. شریعتی، علی؛ بازگشت؛ تهران: انتشارات سپیده باوران، ۱۳۹۸.
 ۷. طباطبایی، محمدحسین؛ معنویت تشیع؛ قم: انتشارات تشیع، ۱۳۸۵.
 ۸. طباطبایی، محمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی؛ قم: اسلامی، ۱۳۸۶.
 ۹. مرتضی عاملی، جعفر؛ الصحیح من سیرة النبی الاعظم؛ تهران: نشر سحرگاهان، ۱۳۷۷.
 ۱۰. عبداللهی، محمداسماعیل؛ سایبان خودساخته عرفان مدرن؛ قم: پژوهشکده باقر العلوم، ۱۳۹۹.
 ۱۱. فروند، ژولین؛ جامعه شناسی ماکس وبر؛ ترجمه عبدالحسین نیک گهر؛ تهران: نشر نیکان، ۱۳۶۲.
 ۱۲. مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار؛ تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۵.
 ۱۳. ملکیان، مصطفی؛ راهی به رهایی؛ تهران: نگاه معاصر، ۱۳۹۶.
 ۱۴. واسطی، عبدالحمید؛ نگرش سیستمی به دین؛ مشهد: مؤسسه مطالعات راهبری علوم و معارف اسلام، ۱۳۹۱.
15. Sheldrake Philip; **A brief history of spirituality**; Blackwell Publishing, Malden, USA, ۲۰۰۷, p. ۱.

16. Khomeini, Ruhollah; **Etiquette of Prayer** (Etiquette of Prayer), Tehran: Institute for Organizing and Publishing the Works of Imam Khomeini, Fourth Edition, 1994.
17. ____; **Sharh Chehel Hadith**; Tehran: Imam Khomeini Publishing House, 2015.
18. Durkim, Emil; **The Division of Social Work**; translated by Hassan Habibi; Tehran: Qalam Publications, 1980.
19. Dovarjeh, Morris; **Methods of Social Sciences**; third edition, Tehran: Amirkabir Publishing Institute, 1996.
20. Dekhoda, Ali Akbar; **Dictionary**; under the supervision of Mohammad Moin and Seyed Jafar Shahidi; Tehran: Institute of Publishing and Printing, University of Tehran, 1998.
21. Shariati, Ali; **Return**; Tehran: Sepideh Bavaran Publications, 1398.
22. Tabatabai, Mohammad Hossein; **Shiite spirituality**; Qom: Shiite Publications, 2006.
23. ____; **Al-Mizan Fi Tafsir Al-Quran**; translated by Seyyed Mohammad Baqir Mousavi Hamedani; Qom: Islami, 2007.
24. Morteza Ameli, Jafar; **Al-Sahih from the biography of the Great Prophet**; Tehran: Sahargahan Publishing, 1998.
25. Abdullahi, Mohammad Ismail; **Self-made canopy of modern mysticism**; Qom: Baqer Al-Uloom Research Institute, 1399.
26. Freund, Julien; **Max Weber Sociology**: translated by Abdolhossein Nikgozar; Tehran: Nikan Publishing, 1983.
27. Motahari, Morteza; **Collection of Works**; Tehran: Sadra Publications, 2006.
28. Malekian, Mostafa; **The Way to Liberation**; Tehran: Contemporary View, 2017.
29. Wasiti, Abdolhamid; **A Systematic Attitude Towards Religion**; Mashhad: Institute for the Study of Islamic Sciences and Education, 2012.